

تشریح سخنگو
از ترکان!

اظهارات متناقض مسؤولان دولتی درباره کیفیت سوخت وارداتی

واردات بنزین
بی کیفیتالزام گذرنامه
برای زائران اربعین

آیا سلمان خطای مهلک اعدام نمر را مرتکب می شود؟

فراخوان پنجشنبه
و جمعه خشم

آل خلیفه در سرایشی سقوط

فرداد اعتمادی

نزدیک به ۵ سال از آغاز فاز جدیدی از اعتراضات مردم بحرین علیه حکومت مستبد آل خلیفه می گذرد. گفت و گوهای سیاسی دولت با مخالفان نه تنها به نتیجه نرسیده است، بلکه خود بر دامنه اختلافات افزوده است. مذاکرات پشت پرده بین دولت و احزاب و جریان های سیاسی رسمی که در فاصله زمانی بین ژوئیه و اگوست ۲۰۱۴ برگزار شد، به هیچ نتیجه ای نرسید. حکومت استبدادی آل خلیفه حتی به وعده های پوشالی ای که توسط ولیعهد شیخ سلمان بن حمد آل خلیفه مطرح شد نیز واقعی نهد. همین موضوع در چند ماه اخیر بر شدت اعتراضات افزوده است.

به باور بسیاری از کارشناسان در چنین فضایی مهم ترین مسائلی که بحرین با آنها روبرو است جنبه محلی دارد. مقاومت در برابر ساختار قدرت اغلب به صورت مستقیم، به توزیع فرصت های شغلی و درآمدهای نفتی ارتباط پیدا می کند. اعتراض ها اغلب در روستاهای فقیر یا در حاشیه شهرها و بیشتر در میان اکثریت شیعه رخ داده است. در این مناطق، ساکنان با آگاهی از تبعیض های عده سیاسی و اقتصادی به هویتی مشترک برای نابودی حکومت آل خلیفه دست یافته اند. امری که هر روز از ابعاد جدیدتری برخوردار می شود.

احزاب و گروه های زیادی در اعتراض به نوع عملکرد حکومت آل خلیفه شکل گرفته اند. مهم ترین این گروه های مخالف عبارت هستند از: ۱- الوفاق - ۲- ائتلاف برای جمهوری و ۳- ائتلاف جوانان ۱۴ فوریه.

یکی از بارزترین مصداق های بی عدالتی و سیاست های تبعیض آمیز که این گروه ها بر آن انگشت می گذارند، فرآیند ناعادلانه «عادی سازی» است. منظور از عادی سازی، فرآیند اعطای تابعیت به ساکنان بحرین است. از دید مخالفان، این فرآیند تاکنون به شکلی تبعیض آمیز به اجرا درآمده است. در حالی که تنها نیم میلیون نفر از ساکنان بحرین حق تابعیت دارند، دولت بحرین در چند سال گذشته به ۹۰۰۰۰ نفر تابعیت اعطا کرده است. اما آنگونه که مخالفان بیان می کنند، اکثر این افراد از اهل سنتی هستند که از خارج به بحرین آورده شده اند تا مناصب نظامی و انتظامی را به دست بگیرند.

رمز گشایی از
هفت تیرکشی سه راه یاسر

سر نشین بی ام و جنجالی کدام عضو خاندان هاشمی بود؟



تمدن یانکی در سرایشی انحطاط

سعید ملکی

هستند. به رغم ادعاهای سردمداران و حاکمان در زمینه برابری شهروندان و آزادی آنان، همچنین حمایت از حقوق انسانی و شهروندی اعضای جامعه، رخدادهای اخیر کشوری چون آمریکا نظیر کشتار پیاپی رنگین پوستان و برخوردهای شدید پلیسی با معترضان، ظلم و ستمگری این حاکمان و دروغین بودن ادعاهای شان را آشکار می سازد.

در جامعه های که همه محاسبات و «هزینه-فایده» ها بر مبنای منطق علمی، آماری و اقتصادی صورت می گیرد، جایی برای عرض اندام ارزش های اخلاقی و دینی وجود ندارد تا در هنگامه واگرایی اعضای جامعه و در نهایت فروپاشی، اثرگذاری خاصی از خود بروز دهد.

صرف نظر از آنچه گفته شد جنبه های بیرونی تمدن غرب و تقابل آن با دیگر کانون های تمدنی زمینه های فروریزی آن را فراهم می آورد. ماهیت تهاجمی این تمدن که طی چند سده بسترهای استعمار، کشتار و حتی جنایت علیه بشریت را ایجاد کرده، سبب شده نزدیکترین جهانیان تمدن غرب - بویژه تمدن آمریکایی - چهره های شیطانی به خود گیرد و خود به خود سبب ایجاد فازهایی از تقابل با دیگر تمدن ها شود.

از جمله این تمدن های متقابل باید به تمدن اسلامی - ایرانی اشاره کرد که با توجه به ریشه های تاریخی، فکری و عقیدتی و همچنین فرهنگ سیال در آن می توان به نوعی هموردی پایان ناپذیر میان این تمدن و تمدن آمریکایی اشاره کرد. در این میان یکی پایه بر «ارزش های الهی»، «گاهی بخشی»، «ظلم ستیزی» و «حمایت از مظلومان» دارد و دیگری «حفظ قدرت به هر قیمت»، «استعمار»، «تحمیق توده ها» و «مادی گرایی» را نمایندگی می کند.

نگاه

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، زمانی که تئوریسین های اقتدار بلامنزاع جهانی ایالات متحده، سر مست از درهم شکستگی بلوک رقیب از «پایان تاریخ» به نام و کلام لیبرال - دموکراسی غربی به رهبری آمریکا سخن به میان می آوردند، نمی توانستند تصور شوند در کمتر از ربع قرن آینده نشانه های انحطاط تمدن «خاتم پندار» خود را به چشم خواهند دید.

البته در همان سال های سرمستی سرکردگان آمریکایی لیبرال - دموکراسی به واسطه نشستن در برج عاج نظام بین الملل تک قطبی، طرح نظریاتی چون «برخورد تمدن ها» چشم اندازهایی نگران کننده از سر برآوردن رقابت تمدنی ترسیم کرد و به تمدن های نظیر بودایی و هندو در شرق آسیا، ارتدکس، اسلامی، لاتین و... به عنوان چالشگران دولت های لیبرال - دموکرات غربی بویژه آمریکا اشاره کرد.

امروز قدرت نوظهوری چون برزیل به عنوان نماینده تمدن لاتین، ازدهای زرد چینی بر خاسته از دامان تمدن شرقی، روس های ارتدکس داعیه دار بازگشت به دوران ابر قدرتی و قدرت های منطقه ای چون جمهوری اسلامی ایران در قلب خاورمیانه به عنوان مهد تمدن اسلامی به سمت رأس هرم برتری تمدنی ره می یابند.

این در حالی است که تمدن غرب به رغم ظواهر رنگارنگ و توان استحاله دیگر عناصر فرهنگی و تمدنی، در حال خشکیدن از درون و ترک برداشتن از بیرون است. در کنار فرونشست مولفه های برترساز سیاسی، اقتصادی و نظامی، کاهش قدرت نفوذ فرهنگی و توان اقناع بین المللی نشانه های انحطاط یا به عبارتی استدرج تمدن لیبرال - دموکراسی غربی را نمایان کرده است.

در تبیین معنای تمدن باید گفت این مفهوم ناظر بر زیرساخت های ایجاد شده بر مبنای ابتکار، خلاقیت و رهبری اقلیتی ممتاز و عاملیت اکثریتی

نفوذ در الیگارش
یا نفوذ با الیگارش

دکتر حمیدرضا اسماعیلی

۱- افرادی که تاریخ معاصر ایران را خوانده اند، می دانند از مهم ترین روش های نفوذ استعمار در امور ایران، نفوذ به واسطه خاندان های قدرت



یا همان الیگارش بوده است. به عبارت دیگر مهم ترین، مؤثرترین و پایاترین طریقی که استعمار برای تسلط بر امور کشورهایی چون ایران یافته، نفوذ در خاندان های قدرتمند بوده است. ممکن است جذب و خرید دیوانسالاران به صورت مقطعی مهم باشد اما تسلط بر خاندان های قدرت و نفوذ بر آنها برای شان اهمیت راهبردی و درازمدت دارد، زیرا چنانکه بارها نوشته ایم کانون و اصل قدرت در نظام های سیاسی در الیگارش و طبقه ممتاز قرار دارد. در حقیقت دیوانسالاران ارشد نیز یا از همین طبقه بوده اند یا وابسته به آنها. بر این اساس دیوانسالاری همواره فرعی بر الیگارش است و استعمار هم برای حفظ و بسط نفوذ خود بیش از موارد دیگر به نفوذ در الیگارش چشم دوخته است. در این باره به طور مثال می توان به کتاب «حقوق بگیران انگلیس در ایران» اشاره کرد که در آن بخشی از این افراد را در مقطعی از تاریخ معاصر ایران ذکر کرده است. اما روشن است از مساله مالی مهم تر و بالاتر آنچه برای الیگارش مهم است کسب قدرت است. خاندان های قدرت چون برای کسب قدرت با یکدیگر رقابت داشته اند همواره برای پیروزی در این رقابت به یک اهرم قدرت چشم دوخته بودند که پس از نفوذ استعمار این عامل به طور ویژه قدرت خارجی بوده است. از این رو، در سیاست نفوذ، آنچه در وهله نخست اهمیت راهبردی دارد نفوذ در الیگارش بوده است.

۲- پس از انقلاب اسلامی، استعمار غرب تا امروز روش های مختلفی را برای مقابله با انقلاب اسلامی و کنترل و هدایت آن تجربه کرده است که نتیجه مطلوب را برای آنها کسب نکرده است: «جدایی طلبی»، «کودتای نافرجام»، «تئوریسم و آشوب سازی»، «نفوذ در برخی انقلابی های نخست انقلاب که اکنون شمشیراند»، «جنگ تحمیلی»، «شورش خیابانی»، «فشارهای سنگین اقتصادی» و «فتنه». پس از آنکه محرز شد انقلاب اسلامی در هدایت آنها قرار ندارد و جریان کلی انقلاب مسیر دیگری را می رود، تا مدت ها گمان می کردند می توانند آلترناتیوها و جانشینان مورد نظرشان را به جای حاکمان فعلی جمهوری اسلامی بر مسند امور بنشانند اما تجربه چند دهه گذشته نشان داد هیچکدام از اپوزیسیون های جمهوری اسلامی در اندازه ای نیستند که بتوانند این وظیفه را انجام دهند. این گروه ها که اغلب نیز در غرب قرار دارند اعم از سلطنت طلب و چپ و لیبرال نه تنها این توانایی را ندارند بلکه اساسا این احتمال درباره آنها غیرواقع بینانه است. لذا استعمار برای یافتن این آلترناتیو در مقطع کوتاه مدت و میان مدت بیش از آنکه به خارج از مرزهای ایران چشم بدوزد به داخل مرزها و در میان بخشی از نیروهای انقلاب چشم دوخته است. آنها به تجربه های مکرر دریافتانند دگرگونی جمهوری اسلامی به واسطه انقلاب و کودتا توسط آن اپوزیسیون بسیار ضعیف تر از آن است که درباره اش برنامهریزی کنند. یعنی وقوع انقلاب از جنس انقلاب اسلامی یا انقلاب ۱۹۱۷ روسیه که در آن تمام هیأت حاکم قدرت را وامی گذارند و نیروهای انقلابی جای آنها را می گیرند محال است و چنین انقلابی دیگر در ایران رخ نخواهد داد.

۳- استعمار از دوران اصلاحات و حتی مدتی پیش از آن به مدل «گورباچفیزاسیون» نظر داشته است که نوعی تغییر از درون به کمک نفوذ از بیرون است. مطلق این روش و مدل بخشی از نیروهای که در حاکمیت فعلی قرار دارند مسؤولیت انجام تغییرات بنیادین را خواهند داشت. این سیاست هم نشانه یأس استعمار از اپوزیسیون خارج نشین است و هم استحکام و ثبات نظام سیاسی کنونی را نشان می دهد. به هر حال این سیاست کمی بعد از تجربه موفق آن در شوروی در ایران نیز به اجرا گذاشته شد که مقارن بود با فعالیت های فرهنگی و اجتماعی شدید جریان سکولاریستی اصلاحات. این جریان که روی کار آمدن دولت اصلاحات مجال مناسبی را به فعالیت های آنها داد، به همین مدل می اندیشند.

www.vatanemrooz.ir

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۳۱

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

دریافت پیام های شما در شبکه های اجتماعی ۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰